

بندر چابهار، اهرمی برای ایجاد یک انقلاب تجاری در منطقه

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل منطقه آزاد چابهار به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان، با توجه به اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، بندر چابهار به کشورمان فرصت طلایی داده تا خود را به عنوان قطب تجارت منطقه‌ای تثبیت کند. زیرا به دلیلی موقعیت جغرافیایی این بندر، کشورهای آسیای مرکزی و اوراسیا برای گسترش تجارت خود به بندر چابهار نیازمند هستند.

این در حالی است که اخیراً سوپرمانیام جایشانکار، وزیر امور خارجه هند، اعلام کرد که بندر چابهار ایران که دهلی نو در توسعه آن مشارکت دارد، برای آینده اقتصادی سازمان همکاری شانگ‌های از اهمیت بالایی برخوردار است. این اظهارات در حالی است که در نشست سران سازمان همکاری شانگ‌های که در سمرقند برگزار می‌شود، قرار است مراحل عضویت ایران در این سازمان تکمیل شود.

موقعیت ژئوپولیتیک بندر چابهار

بندر چابهار در جنوب شرقی استان سیستان و بلوچستان ایران قرار دارد. این بندر دارای ویژگی‌هایی است که آن را از منظر داخلی و بین المللی جذاب می‌کند. این بندر که در حاشیه اقیانوس هند قرار دارد، تنها بندر ایران است که دسترسی مستقیم به اقیانوس دارد. نزدیکی آن به کشورهای مانند افغانستان، پاکستان و هند و همچنین موقعیت آن به عنوان یک مرکز ترانزیت کلیدی در کریدور بین المللی حمل و نقل شمال-جنوب، این پتانسیل را به آن می‌دهد تا به یکی از مهم‌ترین قطب‌های تجاری در جهان تبدیل شود. منطقه چابهار همچنین یکی از معدود نهادهایی است که از تحریم‌های آمریکا مستثنی شده و به طور قابل توجهی تجارت با سایر کشورها را ساده می‌کند.

بندر چابهار ظرفیت تحول تجارت در آسیای جنوبی و مرکزی را نیز داراست. مسیرهای تجاری پیشنهادی زمینی مرتبط با بندر، دسترسی بیشتر به بازارهای افغانستان و آسیای مرکزی را تسهیل خواهد کرد. تأثیر این افزایش دسترسی پیامدهای بسیار زیادی به ویژه برای افغانستان دارد. زیرا افغانستان بیشتر تجارت خود را از طریق مسیرهای پاکستان انجام می‌دهد و بندر چابهار می‌تواند یک مسیر جایگزین تجاری برای این کشور باشد. پیش از تسلط طالبان بر افغانستان، بندر چابهار پتانسیل ایجاد رشد اقتصادی گسترده در افغانستان را داشت، زیرا این امکان را فراهم می‌کرد که کالاهای سایر کشورها به راحتی وارد این کشور شوند و پتانسیل صادرات آن را تقویت کنند. اما با روی کار آمدن طالبان تأثیراتی بر پروژه‌های این بندر برای کشور افغانستان داشت.

بندر چابهار باعث می‌شود که کشورهای آسیای مرکزی که محصور در خشکی هستند به مسیرهای تجاری مبتنی بر دریا دسترسی پیدا کنند. بنابراین، گسترش تجارت با افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی این پتانسیل را دارد که جایگاه ایران در صحنه بین المللی تقویت شود.

بسیاری از تحلیلگران امور بین الملل، ایران را بر اساس معیارهایی مانند ثروت منابع طبیعی، قدرت نظامی و جمعیت قوی، به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با پتانسیل ابرقدرت جهانی طبقه بندی می‌کنند. با این حال، موقعیت ایران به عنوان یک ابرقدرت جهانی در درجه اول به دلیل روابط خصمانه آمریکا با ایران و اعمال تحریم‌های اقتصادی، باعث محدود شدن ظرفیت‌های تجاری تهران در سطح بین المللی شده است؛ بنابراین ایران برای خنثی کردن اثر تحریم‌ها به دنبال تقویت روابط با کشورهای آسیایی است که روابط بهتری با آن دارند.

در این زمینه، بندر چابهار وسیله‌ای برای ارتباط نه تنها با افغانستان و آسیای مرکزی، بلکه با هند و چین است. با توجه به اینکه بودجه

توسعه ایران برای استان اصلی بندر از سال ۲۰۱۸ به میزان ۲۲۰۰ درصد افزایش داشته است، واضح است که چابهار بخشی جدایی ناپذیر از استراتژی رویکرد به شرق دولت سیزدهم ایران خواهد بود.

رقابت ژئوپلیتیکی بر سر بندر چابهار

هند و چین برای چابهار و روابط دوجانبه با ایران برنامه‌های خاص خود را دارند. هند سابقه گسترده‌ای در همکاری‌ها در پروژه‌های بندر چابهار دارد، زیرا دهلی نو این بندر را فرصتی برای تقویت موقعیت خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی می‌داند. هند به عنوان دومین کشور پرجمعیت جهان بعد از چین و ششمین اقتصاد بزرگ جهان و تلاش طولانی مدت برای عضویت دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد، یکی از رقبای اصلی برای کسب موقعیت ابرقدرت آینده در جهان است. این کشور به دنبال گسترش دامنه بازار خود در غرب و آسیای مرکزی برای تحکیم بیشتر این پتانسیل است.

با این حال، هند در تجارت زمینی با کشورهای غرب خود به شدت با مانع مواجه شده است، زیرا تقریباً همه این مسیرها باید از پاکستان، رقیب اصلی هند عبور کنند. ایجاد یک مسیر تجاری دریایی به آسیای غربی و مرکزی از طریق بندر چابهار به هند این امکان را می‌دهد که پاکستان را دور بزند و شبکه‌های تجاری با کشورهای این مناطق ایجاد کند.

همکاری هند و ایران در بندر چابهار به سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد. با این حال، تلاش مشترک دو کشور در حدود سال ۲۰۱۶ زمانی که نارندرا مودی، نخست وزیر هند و حسن روحانی، رئیس جمهور وقت ایران اعلام کردند که هند ۵۰۰ میلیون دلار برای توسعه چابهار سرمایه گذاری خواهد کرد، آغاز شد.

از نقطه نظر هند، چین، پرجمعیت‌ترین کشور و دومین قدرت اقتصادی در جهان و با دارا بودن موقعیت‌های برجسته در سازمان ملل، سازمان تجارت جهانی و سایر سازمان‌های بین‌المللی، پیش از این رقیب اصلی آن برای کسب موقعیت ابرقدرت در جهان بوده است. علاوه بر این، همکاری چین با پاکستان از طریق توسعه بندر گوادر و کریدور اقتصادی چین-پاکستان نگرانی‌هایی را در مورد اینکه چگونه مشارکت دو رقیب اصلی هند می‌تواند بر این کشور تأثیر بگذارد، ایجاد کرده است. بنابراین، مشارکت هند در بندر چابهار به عنوان یک استراتژی کلیدی برای تقویت موقعیت خود از طریق گسترش حضور در بازار منطقه‌ای و استفاده از اتحاد هند و ایران برای جلوگیری از پیشرفت چین و به ویژه همکاری چین و پاکستان عمل می‌کند.

هند تنها ابرقدرتی نیست که در بندر چابهار سهام دارد، زیرا چین نیز به دنبال تقویت روابط با ایران برای تأمین ذخایر انرژی و منابع معدنی و دسترسی به مسیرهای تجاری سودمند اوراسیا بوده است؛ بنابراین دسترسی چین به بندر چابهار به نفع این اهداف خواهد بود، زیرا چین می‌تواند این بندر را به شبکه تجاری گسترده دریایی خود متصل کند. با توجه به سرمایه‌گذاری چین در بندر گوادر پاکستان، یکی دیگر از محرک‌های اصلی علاقه چین به بندر چابهار، جلوگیری از دسترسی هند به مسیرهای افغانستان و آسیای مرکزی است.

از طرفی دیگر نیز در واقع بنگلادشی‌ها می‌توانند از محل اتصال به بندر چابهار به کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال به جنوب دسترسی پیدا کنند که این مسأله فرصتی خواهد بود برای افزایش صادرات طرف بنگلادشی.

استراتژی ایران برای حفظ تعادل در چابهار

افزایش مشارکت هند و چین در بندر چابهار بحث‌هایی را در میان محافل سیاسی ایران در مورد چگونگی استفاده حداکثری از رقابت آن‌ها و در عین حال به حداقل رساندن خطرات برای خود ایران برانگیخته است. فرصت‌های اقتصادی و دیپلماتیک ارائه شده توسط

هند و چین می‌تواند به ایران کمک کند تا جایگاه خود را به عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه خاورمیانه تقویت کند، اما تقسیم نامتقارن قدرت نامتقارن و معاملات تجاری می‌تواند بین چین و هند و سایر کشورها، می‌تواند به نقطه ضعفی تبدیل شود. از این رو، تهران در تلاش است تا راه‌هایی برای ایجاد تعادل استراتژیک بین هند و چین بیابد.

به عنوان مثال، عضویت اخیر ایران در سازمان همکاری شانگ‌های (SCO)، سازمانی که چین و هند نیز در آن حضور دارند، نشان دهنده تمایل تهران برای تشکیل ائتلافی علیه هژمونی غرب و در عین حال تلاش برای تأیید نقش فعال‌تر در امور آسیای مرکزی و خاورمیانه است.

با این حال، تعدادی از متغیرها می‌تواند مسیر فعلی توسعه بندر چابهار را مختل کند. تصرف افغانستان توسط طالبان به طور جدی برنامه‌های ایجاد شبکه‌های تجاری پیشرفته با این کشور و آسیای مرکزی را تغییر داده است به ویژه برای هند یک دردسر بزرگ است. با این وجود، بندر چابهار ممکن است به میدان نبردی بین چین و هند برای به دست گرفتن قدرت در آسیای جنوبی و مرکزی باشد و همچنین نقش مهمی در تثبیت ایران به عنوان یک قدرت در عرصه بین‌المللی خواهد داشت. به عبارت دیگر می‌توان گفت که بندر چابهار می‌تواند یک انقلاب تجاری در منطقه ایجاد کند، اما از طرفی دیگر نیز می‌تواند رقابت‌های منطقه‌ای را تشدید کند.

